

# پروژه‌های خطوط انتقال تاپ و تاناپ و تأثیر آن بر

## معادلات انرژی

ولی کوزه‌گر کالجی<sup>۱</sup>

چکیده

طرح ساخت خطوط لوله ترانس آدریاتیک (تاپ) و خط لوله گازی ترانس آناتولی (تاناپ) از جمله طرح‌های انتقال انرژی است که اگر عملیاتی شود، منابع گازی میدان شاه‌دینز جمهوری آذربایجان را از مسیر ترکیه و یونان به بلغارستان و ایتالیا منتقل خواهد کرد. پرسش اصلی مقاله پیش رو این است که «پیامد و تأثیر عملیاتی شدن پروژه‌های تاپ و تاناپ بر معادلات انرژی منطقه چیست؟» مطالعات گویای تأیید این فرضیه است که «عملیاتی شدن پروژه‌های تاپ و تاناپ موجب تشدید دور جدیدی از رقابت‌های ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی در منطقه غرب آسیا می‌شود؛ لذا در روند تشدید رقابت بازیگران مختلف و مباحثی که در رابطه با مشارکت ایران در خط لوله تاناپ در فضای پس از برجام مطرح می‌شود، مناسب است رویکرد ایران درباره خطوط منطقه‌ای انرژی با محوریت افزایش تأثیرگذاری کشورمان مورد بازنگری قرار گیرد. در این راستا اهمیت دارد در رسانه‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران، مشکلات متعدد خطوط تاپ و تاناپ و مزیت‌های ایران برای انتقال انرژی تبیین شود. این رسانه‌ها می‌توانند همچنین به موضوع امکان مشارکت ایران در پروژه خط لوله‌های مذکور بپردازند و تشریح کنند که ایران به دلیل ظرفیت‌های موجود در آن، می‌تواند مشکلات این خطوط لوله را رفع کند.

کلید واژه‌ها: تاپ، تاناپ، ترکیه، قفقاز، ایران، اروپا.

---

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، گرایش مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه تهران. تهران، ایران.

## مقدمه

ایران به دلیل دارا بودن دومین منبع عظیم انرژی (نفت و گاز جهان) و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی مناسب، یعنی واقع شدن در میان دو کانون مهم انرژی دنیا (خلیج فارس و دریای خزر)، از نظر تأمین انرژی و امنیت آن، در جایگاه ویژه‌ای قرار گرفته است. از این منظر، ژئوپلیتیک انرژی ایران، در دو بعد ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک، با قابلیت بالقوه در تأمین منافع و امنیت ملی کشور، از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. ایران در بعد ژئواکونومیک، به عنوان دومین دارنده ذخایر نفت و گاز جهان، ظرفیت تبدیل شدن به یکی از اصلی‌ترین شرکای انرژی مصرف‌کنندگان بزرگ نفت و گاز جهان را داراست. در بعد ژئواستراتژیک نیز ایران در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند در امنیت انرژی منطقه‌ای و جهانی نقش محوری ایفا نماید.

در غرب و شمال غرب ایران، احداث خطوط لوله ترانس آدریاتیک (تاپ)<sup>۱</sup> و خط لوله گازی ترانس آناتولی (تاناپ)<sup>۲</sup> در دستور کار قرار گرفته است که اگر این طرح‌ها عملیاتی شوند، منابع گازی میدان شاه‌دینیز جمهوری آذربایجان از مسیر ترکیه و یونان به کشورهایی چون بلغارستان و ایتالیا منتقل خواهد شد. تاپ و تاناپ از جدیدترین و مهم‌ترین طرح‌های انتقال انرژی در منطقه قفقاز و مناطق پیرامونی آن محسوب می‌شوند که نقش مهمی در معادلات آینده انرژی این مناطق ایفا خواهد نمود.

اگر چه احداث خطوط لوله مذکور با موانع و چالش‌های متعددی مواجه است اما مجموع تحولات، از جمله شکاف روسیه و اروپا در بحران اوکراین، حکایت از آن دارد که معادلات نوینی در حوزه ژئوپلیتیک انرژی در مناطق پیرامونی ایران در حال شکل‌گیری است که طراحی و احداث دو خط لوله تاپ و تاناپ از مهم‌ترین موارد آن به شمار می‌رود. تحولات مذکور این پرسش‌های اصلی را مطرح می‌سازد که: «پیامدها و تأثیرات عملیاتی شدن پروژه‌های تاپ و تاناپ بر معادلات انرژی منطقه چیست؟» و «اجرای شدن

<sup>۱</sup>Trans Adriatic Natural Gas Pipeline (TAP)

<sup>۲</sup>Trans-Anatolian Natural Gas Pipeline (TANAP)

طرح‌های احداث این خطوط لوله با چه موانع و مشکلاتی مواجه است؟ نقاط قوت آن‌ها چیست؟» علاوه بر این، پرسش‌های فرعی نیز مطرح می‌شوند؛ از جمله این که «عملیاتی شدن پروژه‌های تاپ و تاناب در راستای منافع ایران و یا در تعارض با آن است؟ آیا امکان مشارکت ایران در این طرح‌ها وجود دارد؟» و «پیامدهای عملیاتی شدن پروژه‌های تاپ و تاناب بر فرآیند سیاسی شدن خطوط لوله انتقال انرژی در منطقه چیست؟» فرضیه مقاله حاضر در پاسخ به پرسش مذکور این است که «عملیاتی شدن پروژه‌های تاپ و تاناب موجب تشدید رقابت‌های ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی در منطقه می‌شود.» فرضیه‌های فرعی نیز در این خصوص مطرح است از جمله این که «عملیاتی شدن پروژه‌های تاپ و تاناب در تعارض با منافع ایران است و موجب تضعیف جایگاه و نقش ایران در عرصه ژئواکونومیک منطقه می‌شود.» و «پروژه‌های تاپ و تاناب با هدف حذف ایران و روسیه، موجب تشدید فرآیند سیاسی شدن خطوط لوله انتقال انرژی در منطقه می‌شود.»

پاسخ دقیق و جامع به پرسش‌های مطرح شده و آزمون فرضیه‌ها به همراه ارائه محورهای رسانه‌ای در این خصوص بر ضرورت نگارش و ارائه این مقاله صحه می‌گذارد. بر این اساس، مقاله پیش رو با هدف تحلیل جامع و واقع‌بینانه «پروژه‌های تاپ و تاناب و تأثیر آن بر معادلات انرژی منطقه» و به شیوه اسنادی- کتابخانه‌ای در گردآوری اطلاعات و با روش توصیفی- تحلیلی شکل گرفته است. مطالعه و بررسی جامع اهداف و ماهیت هر یک از دو خطوط انتقال انرژی تاپ و تاناب، نقش قدرت‌های فرمانطقه‌ای در اجرا و پیشبرد طرح‌های یاد شده، شناسایی پیامدهای سیاسی و اقتصادی آن بر معادلات انرژی منطقه و جایگاه و موقعیت ژئواکونومیک ایران و ارائه پیشنهادها رسانه‌ای، از مهم‌ترین اهداف مقاله حاضر به شمار می‌رود.

### پیشینه پژوهش

با توجه به زمان طرح و مراحل ابتدایی احداث خطوط انتقال تاپ و تاناپ، پژوهش‌های اندکی، بویژه در داخل کشور، به مطالعه و بررسی این موضوع پرداخته‌اند که به برخی از مهم‌ترین موارد آن‌ها اشاره می‌شود.

سازمند و کاویانی‌فر (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به این نکته اشاره می‌کنند که با توجه به توافق هسته‌ای ایران و قدرت‌های بزرگ (برجام)، مهم‌ترین مانع سیاسی ابتکار راهرو گاز جنوبی از میان برداشته خواهد شد اما راهرو تراسیکای اتحادیه اروپایی به دلیل موانع زیرساختی، تغییر عمده‌ای نخواهد کرد. در نتیجه، ایران با برنامه‌ریزی صحیح می‌تواند در راهرو گاز جنوبی حضور مؤثر داشته باشد و همچنین ذیل برنامه تراسیکا نیز از مزایایی بهره‌مند گردد. جوکار (۱۳۹۴) معتقد است اساساً در حال حاضر هدف‌گذاری برای عرضه گاز به شرق اروپا از طریق ترانس آناتولی به دلیل ظرفیت محدود صادراتی وجود ندارد و در حقیقت، ترکیه عمده صادرات ناشی از توسعه منابع گازی جمهوری آذربایجان را جذب خواهد کرد و بازار اروپا چندان از آن بهره نخواهد برد.

در سطح مراکز مطالعاتی و دانشگاهی خارجی، بویژه اروپایی، توجه به مراتب بیشتری به موضوع خطوط لوله تاپ و تاناپ معطوف شده است. میشل تانچوم<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) بر این باور است که پروژه تاناپ در واقع پاسخی به تضاد استراتژیک ترکیه در واردات بیش از ۵۶ درصد از گاز طبیعی از رقیب سنتی خود، یعنی فدراسیون روسیه، است و به این دلیل، نقطه عطفی در دیپلماسی انرژی ترکیه به شمار می‌رود. تضاد استراتژیکی دیگر ترکیه، وابستگی ۲۰ درصدی به واردات گاز طبیعی از ایران است که در سال‌های اخیر به یک رقیب ژئوپلیتیکی مهم برای ترکیه تبدیل شده است. ولادیمیر سوکور<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) نیز به این نکته اشاره می‌کند که پروژه تاناپ را می‌توان اولین دستاورد واقعی طرح ایجاد کریدور جنوبی انتقال گاز دریای کاسپین (خزر) به منطقه یورو دانست که در کنار چند طرح دیگر

---

<sup>۱</sup>Micha'el Tanchum

<sup>۲</sup>Vladimir Socor

با حمایت اتحادیه اروپا و برای کاهش نفوذ روسیه در بازار تجارت گاز این قاره، اجرا خواهد شد. با این وجود، با نگاهی به مطرح شدن چندین طرح موازی برای صادرات گاز خزر به اروپا در یک دهه اخیر، تأثیرپذیری آن‌ها از روابط لرزان سیاسی کشورهای حوزه خزر همراه با اختلاف نظرهای گسترده، سرنوشت همه این طرح‌ها را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.

ایلگار گوربانف<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) معتقد است پروژه نابوکو عملاً شکست خورده است اما کریدور جنوبی به دلیل اتصال به منابع گازی رژیم اسرائیل و قبرس در حوزه مدیترانه و نیز عراق و حتی ایران در آینده، از ظرفیت بسیار بالایی برخوردار است و به همین دلیل، پروژه تاپ نخستین گام در واقعیت جدید انرژی اروپا به شمار می‌رود که برخلاف نابوکو از توانایی ایجاد توازن قوا در مقابل گازپروم روسیه برخوردار است. آریل کوهن<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) نیز بر این باور است که طراحی و اجرای خطوط لوله تاپ و تاناب، پس از بحران اوکراین و مداخله روسیه در کریمه، انتخاب و رویکردی استراتژیک برای پایان بخشیدن به سلطه گازی روسیه و گازپروم بر منابع انرژی اروپا است و از این رو، تاپ و تاناب نقش مهمی را در آینده امنیت انرژی اروپا ایفا می‌کنند.

مروری اجمالی بر پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که هر یک از تحلیل‌های یاد شده، یکی از جنبه‌های احداث خطوط لوله تاپ و تاناب را مورد توجه قرار داده‌اند و از ارائه تحلیلی جامع با در نظر گرفتن همه متغیرهای دخیل و با رویکرد رسانه‌ای بازمانده‌اند؛ لذا برطرف نمودن این خلاء، بر ضرورت نگارش این مقاله صحنه می‌گذارد.

---

<sup>۱</sup>Ilgar Gurbanov

<sup>۲</sup>Ariel Cohen

### خطوط لوله تاپ و تاناپ

از مهم‌ترین ویژگی‌های بازار انرژی، فاصله جغرافیایی میان «عرضه‌کننده» و «مصرف‌کننده انرژی» است که این ویژگی به صورت طبیعی با دو مقوله «انتقال انرژی» و «امنیت انرژی» پیوند می‌خورد. منطقه قفقاز به لحاظ توزیع جغرافیایی منابع انرژی و موقعیت جغرافیایی خاص خود، ترکیبی از تمام ویژگی‌های یاد شده است. جمهوری آذربایجان، با داشتن منابع نفت خام و گاز طبیعی، تنها کشور برخوردار از منابع انرژی در منطقه قفقاز محسوب می‌شود. در مقابل، ارمنستان و گرجستان، دو کشور فاقد منابع و مصرف‌کننده انرژی به شمار می‌روند. هر چند هر سه کشور به واسطه موقعیت جغرافیایی منطقه قفقاز، به عنوان پل ارتباطی آسیا-اروپا، از ظرفیت بالای انتقال انرژی برخوردار هستند اما سایه سنگین مسائل و اختلافات سیاسی، بویژه مناقشه قراباغ و ملاحظات ژئوپلیتیکی موجب شده است عملاً ارمنستان از دایره انتقال انرژی در منطقه قفقاز بیرون بماند و تنها دو کشور جمهوری آذربایجان و گرجستان در مسیر انتقال انرژی به ترکیه و اروپا قرار گیرند.

از منظری کلان‌تر، حذف ارمنستان از این مسیرها به موازات آن حذف ایران و روسیه از مسیرهای انتقال انرژی حوزه آسیای مرکزی، خزر و قفقاز صورت می‌گیرد. این اقدامات عموماً در چارچوب «سیاست خطوط لوله»<sup>۱</sup> انجام می‌شود که در دو دهه گذشته از سوی غرب، بویژه ایالات متحده آمریکا، دنبال شده است. شکل‌گیری اینوگیت (ترانزیت بین‌الدولی نفت و گاز به اروپا)<sup>۲</sup> در سال ۱۳۸۴ش (۱۹۹۵م)، همکاری کشورهای اتحادیه اروپا، ترکیه و کشورهای ساحلی حوزه دریای سیاه و خزر و کشورهای همسایه به استثنای فدراسیون روسیه و کشورهای بالتیک را در حوزه انتقال انرژی در بر می‌گرفت. احداث خطوط انتقال انرژی چون «باکو-تفلیس-جیهان»<sup>۳</sup>، «باکو-تفلیس-ارزروم»<sup>۴</sup>، «نابوکو» و

<sup>۱</sup>Pipeline Politics

<sup>۲</sup>Interstate Oil and Gas Transportation to Europe (INOGATE)

<sup>۳</sup>Baku Tbilisi Ceyhan (BTC)

<sup>۴</sup>Baku Tbilisi Erzurum Pipeline (BTE)

### پروژه‌های خطوط انتقال تاپ و تاناپ و تأثیر آن بر معادلات انرژی\*۳۰۷

خط لوله «ترانس-خزر»<sup>۱</sup> برای انتقال گاز قزاقستان به جمهوری آذربایجان از بستر دریای خزر، از نمونه‌های بارز طراحی و احداث خطوط انتقال انرژی از منطقه قفقاز است که همواره سه کشور جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه در آن مشارکت داشته‌اند و سه کشور ایران، روسیه و ارمنستان از آن حذف شده‌اند (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۵: ۴۶).

طرح ساخت خطوط لوله تاپ و تاناپ که منابع گازی میدان شاه‌دینیز جمهوری آذربایجان را از مسیر ترکیه و یونان به کشورهای چینی چون بلغارستان و ایتالیا منتقل می‌کند، از جدیدترین و مهم‌ترین طرح‌های انتقال انرژی در سطح منطقه محسوب می‌شود که در واقع شامل سه خط لوله مجزا یعنی خط لوله قفقاز جنوبی<sup>۲</sup> (باکو-تفلیس-ارزروم)، خط لوله گازی ترانس آناتولی (تاناپ) و خط لوله گازی ترانس آدریاتیک (تاپ) است که بر اساس طرح‌های پیش‌بینی شده قرار است به یکدیگر متصل شوند. نقشه شماره ۱ مسیر این سه خط لوله انتقال انرژی را نشان می‌دهد.



Market Realist

Source: SouthFront.org

نقشه شماره ۱: خطوط لوله قفقاز جنوبی، ترانس آناتولی (تاناپ) و ترانس آدریاتیک (تاپ)

<sup>۱</sup>Trans-Caspian Pipeline (TCP)  
South Caucasus Pipeline (SCP)

### ویژگی‌ها و ملاحظات اقتصادی خطوط لوله تاناب و تاپ

در خط لوله قفقاز جنوبی (باکو- تفلیس- ارزروم)، شش شرکت بریتیش پترولیوم<sup>۱</sup> بریتانیا (۲۸ درصد)، تی. پی. ای. او.<sup>۲</sup> ترکیه (۱۹ درصد)، شرکت دولتی نفت جمهوری آذربایجان یعنی سوکار<sup>۳</sup> (۱۶/۷ درصد)، شرکت پتروناس<sup>۴</sup> مالزی (۱۵/۵ درصد)، شرکت لوک اویل<sup>۵</sup> روسیه (۱۰ درصد) و شرکت بازرگانی نفت ایران<sup>۶</sup> (۱۰ درصد) حضور دارند. از بین شش شرکت یاد شده، بریتیش پترولیوم از نقش محوری برخوردار است و مسئولیت اجرایی احداث خط لوله قفقاز جنوبی را بر عهده دارد.

در خط لوله تاناب، کنسرسیومی تحت عنوان «شرکت پروژه تاناب»<sup>۷</sup> شکل گرفته است که شرکت سوکار جمهوری آذربایجان (۵۸ درصد)، شرکت خطوط نفتی بوتاش<sup>۸</sup> ترکیه (۳۰ درصد) و شرکت بریتیش پترولیوم بریتانیا (۱۲ درصد) از سهام آن را در اختیار دارند. سهم طرف ترک در ابتدا به این میزان نبود بلکه دولت ترکیه در سال ۱۳۹۳ ش (۲۰۱۴م)، سهم خود را به ۳۰ درصد افزایش داد. بدین ترتیب که با افزایش ۱۰ درصدی سهام شرکت بوتاش ترکیه در خط لوله تاناب و خرید ۱۰ درصد از سهام شرکت توتال در میدان گازی شاه‌دیز، از سوی شرکت ملی نفت ترکیه، این کشور در حال حاضر دومین سهامدار بزرگ این طرح انتقال انرژی به شمار می‌رود. شرکت ملی نفت ترکیه در ازای در اختیار گرفتن ۱۰ درصد سهام شرکت فرانسوی توتال در پروژه گازی شاه‌دیز جمهوری آذربایجان، ۱/۴۵ میلیارد دلار به این شرکت پرداخت می‌کند. شرکت سهامی نفت ترکیه (تی. پی. آ. او) نیز در روند احداث این خط لوله با شرکت بوتاش همکاری دارد (شبکه اطلاع رسانی نفت و گاز- شاننا، ۲۰ مهر ۱۳۹۲).

<sup>۱</sup>British Petrolume (BP)

<sup>۲</sup>Türkiye Petrolleri Anonim Ortaklığı (TPAO)

<sup>۳</sup>State Oil Company of Azerbaijan Republic (SOCAR)

<sup>۴</sup>PETRONAS

<sup>۵</sup>Lukoil

<sup>۶</sup>Naftiran Intertrade Company (NICO)

<sup>۷</sup>TANAP project company

<sup>۸</sup>BOTAŞ Petroleum Pipeline Corporation (BOTAS)

به دلیل مالکیت دولتی شرکت سوکار، پارلمان جمهوری آذربایجان در مهر ۱۳۹۵ ش (۳۰ سپتامبر ۲۰۱۶م)، قرارداد ۹/۲ میلیارد دلاری دولت این کشور با جمهوری ترکیه برای تأسیس خط لوله گاز تاناب را به تصویب رساند. دولت باکو نیز برای اجرای طرح ساخت خط لوله گازی تاناب، دریافت پنج میلیارد دلار وام را از طریق انتشار و فروش اوراق قرضه تضمین شده (به جای وام‌های خارجی مستقیم) در نظر دارد که البته این اقدام در جمهوری آذربایجان با نقدهایی نیز مواجه شده است. در رابطه با تأمین مالی خط تاناب قرار است شرکت بوتاش ترکیه برای تأمین مالی تاناب، دو میلیارد دلار وام جذب کند. بانک توسعه اروپا نیز در نظر دارد برای اجرای تاناب، یک میلیارد یورو وام اختصاص بدهد. مذاکراتی نیز با بانک جهانی در خصوص دریافت وام در جریان است. لازم به یادآوری است که تصمیم سایر سازمان‌های اعتباری بین‌المللی در خصوص تخصیص اعتبار به جمهوری آذربایجان نیز وابسته به تصمیم بانک جهانی است. اگر بانک جهانی پاسخ مثبتی در این زمینه بدهد، سایر مؤسسات مالی نیز می‌توانند به این کنسرسیوم بپیوندند. هزینه کلی احداث خط لوله تاناب در حدود ۱۱/۷ میلیارد دلار برآورد شده است (خبرگزاری آران، ۸ فروردین ۱۳۹۵).

اما در خط لوله تاپ، شش شرکت شامل شرکت بریتیش پترولیوم بریتانیا (۲۰ درصد)، شرکت سوکار جمهوری آذربایجان (۲۰ درصد)، شرکت اسنام<sup>۱</sup> ایتالیا (۲۰ درصد)، شرکت فلوگسیس<sup>۲</sup> بلژیک (۱۹ درصد)، شرکت اناگاز<sup>۳</sup> اسپانیا (۱۶ درصد) و شرکت اکسیوم سوئیس<sup>۴</sup> از سهامداران ساخت خط لوله تاپ به شمار می‌روند. هزینه خط لوله تاپ بین ۷ تا ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است (شاننا، ۲۰ مهر ۱۳۹۲).

---

<sup>۱</sup>SNAM

<sup>۲</sup>Fluxys

<sup>۳</sup>Enagás

<sup>۴</sup>AXPO

### ملاحظات امنیتی خطوط لوله تاناب و تاپ

موضوع «امنیت انرژی»<sup>۱</sup>، به دلیل شرایط شکننده و ناپایدار امنیتی در منطقه قفقاز و مناطق پیرامون آن، همواره به عنوان یک عامل مهم و تأثیرگذار مورد توجه دولت‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذار بوده است. موضوع امنیت خطوط لوله در شرایط بسیار پرتلاطم کنونی قفقاز و غرب آسیا در مقایسه با گذشته ابعاد به مراتب گسترده‌تری یافته است. پس از بحران مرداد ۱۳۸۷ش (اوت ۲۰۰۸م) که به رویارویی نظامی روسیه و گرجستان انجامید و پیامدهای منفی شدیدی بر امنیت انتقال انرژی از خاک گرجستان و مناطق جنوبی روسیه برجای گذاشت و همچنین از سرگیری درگیری‌ها در منطقه قراباغ در روزهای ۱۴ تا ۱۷ فروردین ۱۳۹۵ش (۲ تا ۵ آوریل ۲۰۱۶م) که از آن به عنوان «جنگ چهار روزه قراباغ» یاد می‌شود، نگرانی‌های جدی را درباره تأمین امنیت سرمایه‌گذاری‌های سنگین شرکت‌های غربی در حوزه انرژی منطقه قفقاز به دنبال داشت. به عنوان مثال، بنیاد پژوهشی جیمز تاون<sup>۲</sup> در واشنگتن در مقاله‌ای تحلیلی تحت عنوان «جنگ چهار روزه قراباغ، تهدیدات مرتبط با امنیت انرژی در مسیر جنوب غربی ناتو را برجسته ساخت»<sup>۳</sup> به تأثیر منفی رویارویی نظامی ارمنستان و آذربایجان بر وضعیت انتقال انرژی در سطح منطقه پرداخت (Gurbanov, May 23, 2016). «لوک کافی»، تحلیل‌گر شبکه الجزیره انگلیسی نیز در مقاله‌ای با عنوان «ناگورنو- قراباغ یک مناقشه محلی نیست»،<sup>۴</sup> تهدید امنیت انرژی را موضوعی می‌داند که موجب می‌شود ابعاد مناقشه قراباغ از سطح محلی فراتر رود (Coffey, April 6, 2016). گذشته از موضوع قراباغ، تحولات مهمی چون ناآرامی‌های مناطق کردنشین شرق ترکیه، بحران سوریه، فعالیت گروه‌های تروریستی، بویژه نقش گروه

<sup>۱</sup>Energy Security

<sup>۲</sup>Four-Day Karabakh War

<sup>۳</sup>Jamestown Foundation

<sup>۴</sup>Four-Day Karabakh War Highlights Threats to Energy Security on NATO's Southeastern Flank

<sup>۵</sup>Luke Coffey

<sup>۶</sup>Nagorno-Karabakh is not a localised conflict

داعش در انتقال، صدور و فروش غیرقانونی نفت خام و موج چند میلیونی مهاجران و پناهندگان از سوریه به ترکیه، یونان و ایتالیا، نگرانی‌های جدی را در مورد تأمین امنیت خطوط انتقال انرژی از مسیر ترکیه، بویژه دو خط لوله در دست احداث تاپ و تاناب، پدید آورده است.

این نگرانی از آنجا ناشی می‌شود که خطوط انتقال انرژی ترکیه بارها توسط حزب کارگران کردستان ترکیه، موسوم به «پ ک ک»، منفجر شده است که انفجار خط لوله نفتی کرکوک-جهان‌آدر جنوب شرقی ترکیه در بهمن ۱۳۹۵ش (فوریه ۲۰۱۶ م) از نمونه‌های بارز آن به شمار می‌رود (Rudaw, March 9, 2016). شرایط سیاسی و امنیتی حاکم بر مناطق کردنشین شرق ترکیه به گونه‌ای است که مرکز فرماندهی حزب کارگران کردستان ترکیه در بیانیه‌ای با هشدار درباره احداث خط لوله گازی اقلیم کردستان عراق به ترکیه اعلام نمود که عبور خط لوله گاز اقلیم کردستان عراق به ترکیه از مناطق کردنشین این کشور مشروط به موافقت مردم این منطقه است (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴ اسفند ۱۳۹۴). در عین حال عملیات تروریستی داعش در نزدیکی اداره پلیس دیار بکر در آبان ۱۳۹۵ش (نوامبر ۲۰۱۶ م) (Hurriyet Daily News, November 4, 2016) نشان داد که علی‌رغم حمایت‌های گسترده سیاسی، نظامی و لجستیکی آنکارا از داعش و گروه‌های تکفیری، این گروه‌ها هر گاه منافع‌شان اقتضاء کند، به منافع ترکیه نیز ضربه خواهند زد و خطوط لوله انتقال انرژی هدف آسان و جذابی برای آن‌ها محسوب می‌شود.

مجموع مباحث یاد شده به روشنی گویای آن است که شرایط صادرات منابع انرژی از منطقه قفقاز به بازارهای جهانی در قیاس با دهه ۱۹۹۰ میلادی، به مراتب پیچیده‌تر شده و هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی آن به صورت شایان توجهی افزایش یافته است. با این وجود، شدت و دامنه اختلافات سیاسی میان غرب و روسیه، بویژه وابستگی شدید اروپا به گاز وارداتی روسیه، موجب شده است احداث خطوط جدید انتقال انرژی، به

---

<sup>1</sup>Kirkuk-Ceyhan pipeline

خصوص خطوط لوله تاپ و تاناب، در دستور کار قرار گیرند تا از این طریق بخش مهمی از سیاست اتحادیه اروپا در تنوع‌بخشی به منابع تأمین انرژی تحقق یابد. همین امر موجب شده است منطقه قفقاز با وجود چالش‌های مهم امنیتی همچنان بتواند از جایگاه مناسبی در سیاست کلان اقتصاد انرژی اتحادیه اروپا قرار گیرد که این روند، جایگاه ترانزیتی ترکیه در خطوط انتقال انرژی را بیش از گذشته تحکیم خواهد کرد (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۵: ۴۷). این در شرایطی است که در مقایسه با مشکلات متعدد امنیتی مسیر قفقاز جنوبی و نبود توجیه اقتصادی برای آن، مسیر ایران، مسیر امن و با صرفه اقتصادی برای انتقال انرژی می‌باشد.

#### فرصت‌ها و چالش‌های خطوط لوله تاپ و تاناب

خطوط لوله تاپ و تاناب با توجه به ملاحظات فنی، اقتصادی و امنیتی و منافع کشورهای واقع در طرح، یعنی جمهوری آذربایجان، ترکیه و اتحادیه اروپا و نیز با توجه به منافع بازیگران خارج از این طرح، یعنی ایران، آمریکا، روسیه، اقلیم کردستان عراق، رژیم صهیونیستی و ترکمنستان، دربردارنده فرصت‌ها و چالش‌هایی است که شناسایی آن‌ها به درک هر چه بهتر این خطوط مهم انتقال انرژی کمک شایانی می‌کند.

#### الف: نقاط قوت و فرصت‌های ناشی از خطوط لوله تاپ و تاناب

- تنوع بخشی به مسیرهای صادرات گاز طبیعی و کاهش انحصار و جلوگیری از استفاده ابزاری و سیاسی روسیه از اهرم انرژی در قبال اروپا و سایر بازیگران؛
- پیوستگی اقتصادی و تجاری کشورهای منطقه با اتحادیه اروپا در یک پهنه وسیع جغرافیایی و افزایش حجم مبادلات در حوزه اقتصاد انرژی؛

- شکل‌گیری همکاری مشترک امنیتی میان طرف‌های مختلف ذی‌نفع در این طرح انتقال انرژی حول محور «امنیت انرژی» و پیوستگی امنیتی هر چه بیشتر منطقه قفقاز با اتحادیه اروپا برای مقابله با تهدیدات مشترک؛

- کمک به رشد و توسعه اقتصادی، بویژه در کشورهایی چون جمهوری آذربایجان و نیز ایران و روسیه (در صورت مشارکت)، با توجه به وضعیت آشفته و متزلزل کنونی قیمت جهانی نفت خام؛

- برخلاف «سیاست خط لوله» در دو دهه گذشته که مبتنی بر نگاه حذفی با «حاصل جمع صفر» در طراحی و احداث خطوط لوله بوده است، در روند احداث خطوط لوله تاپ و تاناب، به دلیل کافی نبودن ذخایر حوزه شاه‌دینیز برای اقتصادی کردن خطوط مذکور، از سایر صادرکنندگان نظیر ایران و ترکمنستان نیز برای مشارکت در این طرح انتقال انرژی دعوت شده است. صرف نظر از چالش‌های تحقق این پیشنهاد، نفس این امر به این دلیل حائز اهمیت است که به نظر می‌رسد به تدریج کشورهای منطقه در حال عبور از سیاست-های حذفی در حوزه انرژی و توجه بیشتر به نقش و مشارکت تمام بازیگران تأثیرگذار در زمینه اقتصاد انرژی هستند.

#### ب: نقاط ضعف و چالش‌های طرح تاپ و تاناب

۱- هرچند توسعه میدان گازی شاه‌دینیز جمهوری آذربایجان از سوی شرکت بریتیش پترولیوم (بی.پی)<sup>۱</sup> در دست انجام است اما تردیدهای جدی در مورد ظرفیت این میدان گازی برای تأمین حجم عظیم گاز صادراتی به اروپا از طریق خطوط لوله تاپ و تاناب وجود دارد. بخشی از دلایل توجه به کشورهایی چون ایران و ترکمنستان در این پروژه را همین تردیدها و نگرانی‌ها از کمبود منابع گازی جمهوری آذربایجان تشکیل می‌دهد زیرا در مرحله عملیاتی امکان قطع و توقف یا افت فشار در خطوط تاپ و تاناب وجود خواهد داشت؛

---

<sup>۱</sup>BP

- دولت ترکیه کوشش می‌کند از تقابل میان کریدور جنوبی مورد نظر جمهوری آذربایجان و نیز تاپ و تاناب با ترکیش استریم (جریان ترکی) که مورد توجه روسیه است، جلوگیری کند اما در عمل سایه اختلافات سیاسی روسیه و اتحادیه اروپا بر سر اوکراین می‌تواند بر روند عملیاتی شدن این خطوط انتقال انرژی تأثیر منفی برجای بگذارد؛

- عبور خطوط لوله تاپ و تاناب از ۲۱ استان ترکیه که بسیاری از آن‌ها در معرض تهدیدات امنیتی ناشی از اقدامات تروریستی و خرابکارانه پ.ک.ک، داعش و فتح‌الشام قرار دارند، از جمله چالش‌های جدی پیش روی خطوط لوله تاپ و تاناب به شمار می‌رود که در صورت الحاق رژیم صهیونیستی و اقلیم کردستان عراق به این پروژه، به طور قابل توجهی نیز افزایش خواهد یافت؛

- اگر ایران ظرفیت تولید و صادرات گاز طبیعی خود را افزایش ندهد و نیز اگر برخی ملاحظات سیاسی و اقتصادی غربی‌ها درباره فضای پس از برجام، مانع از ملحق شدن جمهوری اسلامی ایران به پروژه‌های خطوط لوله تاپ و تاناب شود، موضوع توانایی محدود جمهوری آذربایجان در تأمین گاز مورد نیاز این خطوط، می‌تواند روند صادرات گاز از طریق این خطوط به اروپا را با مشکل مواجه کند.

۵- موضوع مشارکت ترکمنستان و نحوه اتصال شبکه خطوط لوله گاز این کشور به تاناب نیز از جمله چالش‌های جدی این طرح به شمار می‌رود. دولت‌های ترکمنستان و ترکیه و همچنین اتحادیه اروپا بر استفاده از مسیر دریای خزر و احیای طرح شکست خورده خط لوله ترانس خزر تأکید و به آن اصرار دارند اما رژیم حقوقی دریای خزر هنوز حل و فصل نشده است و آسیب‌های زیست محیطی جدی این طرح، آن را با اعتراض شدید ایران و روسیه مواجه خواهد کرد و بدین ترتیب فضایی پرتنش و منفی را بر روند همکاری‌های موجود در زمینه اقتصاد انرژی حاکم می‌سازد. بدون موافقت کشورهای ساحلی از جمله ایران و روسیه، امکان احداث خط لوله از بستر خزر به لحاظ حقوقی ممکن نیست.

۶- طرح‌های مطالعاتی اولیه خط لوله تاناب و تاپ زمانی انجام شد که قیمت هر بشکه نفت به بیش از صد دلار رسیده بود و جمهوری آذربایجان روی افزایش درآمدهای نفتی

خود حساب باز کرده بود اما با سقوط قیمت نفت به حدود سی دلار در تابستان ۱۳۹۵ش (۲۰۱۶م)، تأمین منابع مالی این طرح‌ها، با مشکلات متعددی مواجه شده است.

### جمهوری اسلامی ایران و خطوط لوله تاپ و تاناب

ایران با ۳۳/۸ تریلیون مترمکعب از ذخایر اثبات شده گاز طبیعی (۱۸/۲ درصد از مجموع ذخایر گاز طبیعی جهان) را در اختیار دارد (شبکه اطلاع رسانی نفت و گاز، شاننا، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۴). علاوه بر این، موقعیت جغرافیایی مناسب و به موازات آن، وجود زیرساخت‌های فنی و اقتصادی موجب شده است ایران از شرایط مناسبی برای شرکت در طرح‌های انتقال انرژی در سطح منطقه برخوردار باشد. با این وجود، عنادورزی غرب، بویژه ایالات متحده آمریکا، با سیاست‌های مستقل ایران اسلامی، موجب شد در چارچوب «سیاست همه چیز بدون ایران»، ایران از بسیاری از طرح‌های انتقال انرژی کنار گذاشته شود و یا مسیرهای جایگزین و بسیار پرهزینه و غیر اقتصادی نظیر نابوکو، باکو-تفلیس - جیحان و باکو - تفلیس - ارزروم، در مناطق پیرامونی ایران، طراحی و اجرا شود. کنار گذاشتن ایران در عمل موجب ناکامی بسیاری از این طرح‌ها شد زیرا ظرفیت و توان آن‌ها در تولید و صادرات نفت و گاز، محدود بود. به عنوان مثال، ساخت خط لوله انتقال گاز جمهوری آذربایجان به ترکیه، موسوم به نابوکو، یعنی مهم‌ترین طرح مشترک برخی از کشورهای اروپایی مانند اتریش، آلمان، مجارستان، رومانی و ترکیه با هدف تأمین گاز اروپا، در نهایت در پی تحریم گاز ایران، با شکست همراه شد. کارشناسان دلیل اصلی شکست طرح‌های انتقال گاز را اصرار آمریکا و دولت‌های اروپایی به جایگزین‌سازی گاز جمهوری آذربایجان با روسیه می‌دانند. این در حالی است که جمهوری آذربایجان، در درازمدت، گاز کافی برای تأمین نیازهای اتحادیه اروپا ندارد. در طرح نابوکو، مقامات جمهوری آذربایجان با اصرار آمریکا و برخی دولت‌های اروپایی، از ترکمنستان درخواست همکاری کرده بودند. ترکمنستان نیز باید گاز خود را از اراضی ایران به جمهوری

آذربایجان صادر کند و یا از طریق بستر دریای خزر این امکان محقق گردد. بدیهی است که ایران و روسیه بنابر ملاحظات زیست محیطی، با ساخت این طرح مخالفت می‌کردند. آمریکا و دولت‌های اروپایی هم ساخت خط لوله انتقال گاز از مسیر ایران را به دلیل تحریم‌های غرب غیرممکن می‌دانستند (خبر و تفسیر برون‌مرزی صداوسیما، ۲۲ فروردین ۱۳۹۴).

با توجه به چنین تجربه‌ای و نیز با توجه به توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ که منجر به گشایش نسبی در مناسبات اقتصادی و تجاری ایران با کشورهای اروپایی گردید و نیز با عنایت به این موضوع که جمهوری اسلامی ایران با داشتن بیش از ۳۳ تریلیون متر مکعب ذخایر اثبات شده گاز، امکان تأمین نیازهای اتحادیه اروپا را به مدت بسیار طولانی خواهد داشت، از سال ۱۳۹۵ش (۲۰۱۵م) شاهد آن هستیم که مقامات مختلف جمهوری آذربایجان، ترکیه و بسیاری از کشورهای اروپایی، خواستار مشارکت ایران در توسعه میدان گازی شاه‌دینیز و همچنین در عملیات احداث خط لوله تاناپ و تاپ شده‌اند. سالتوک دوزیول، مدیرعامل پروژه خط لوله تاناپ، در بیست و سومین کنگره جهانی انرژی در استانبول در مهر ۱۳۹۵ش (۱۲ اکتبر ۲۰۱۶) اظهار داشت:

«خط لوله تاناپ برای استفاده سایر کشورهای عرضه کننده گاز نیز باز خواهد بود. ترکمنستان، ایران و کشورهای شرق دریای مدیترانه نیز می‌توانند گاز خود را از این طریق و از قلمروی ترکیه به اروپا صادر کنند. ایران در دوره اخیر به دنبال بازارهای تازه‌ای برای منابع انرژی خود است. این کریدور برای گاز ایران، فرصت است» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۱ مهر ۱۳۹۵).

«رونق عبدالله‌اف»<sup>۲</sup>، مدیرعامل شرکت ملی نفت جمهوری آذربایجان (سوکار) نیز به منظور رایزنی در زمینه مشارکت ایران در طرح‌های انرژی منطقه، در تیر ۱۳۹۴ش (جولای

<sup>۱</sup>Saltuk Düzyol

<sup>۲</sup>Rovnag Abdullayev

۲۰۱۵م) به تهران سفر و با بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت ایران، دیدار کرد. متقابلاً امیر حسین زمانی‌نیا، معاون امور بین‌الملل و بازرگانی این وزارتخانه نیز به باکو سفر نمود. مذاکرات متعددی بین دو طرف پیرامون استفاده از خاک جمهوری آذربایجان برای انتقال گاز ایران به اروپا، انجام شد. «ناطق علی‌اف»، وزیر انرژی جمهوری آذربایجان، در جریان سخنرانی خود در کنفرانس نفت و گاز خزر در باکو، گفته بود ایران با توجه به ذخایر غنی انرژی خود می‌تواند در پروژه خط لوله گازی تاناب، مشارکت کند. «المان نصیراف»<sup>۲</sup> یک تحلیلگر سیاسی در جمهوری آذربایجان، در رابطه با مشارکت ایران معتقد است: «آذربایجان یکی از کشورهایی است که می‌تواند در زمینه انتقال انرژی به اروپا مفید باشد. اروپا برای تأمین انرژی خود و قطع وابستگی به روسیه در این خصوص، نه تنها با جمهوری آذربایجان حتی با ترکمنستان و ایران نیز خواهان همکاری است (خبرگزاری آران، ۲۵ تیر ۱۳۹۳). مهدی محتشمی، رئیس دبیرخانه مشترک کمیسیون همکاری تجاری و اقتصادی ایران و جمهوری آذربایجان هم درباره با مشارکت ایران در این طرح گفته است که:

«خط لوله ترانس آدریاتیک (تاپ) می‌تواند مسیری مطمئن برای صادرات گاز ایران به اروپا باشد. ایران در حال بررسی مسیرهای مختلف تأمین گاز به دیگر کشورهاست و خط لوله ترانس آدریاتیک (تاپ) یکی از این مسیرهاست. ایران درباره تأمین گاز اروپا از طریق جمهوری آذربایجان، مطالعاتی نیز انجام داده است. احتمال سرمایه‌گذاری مشترک ایران با آذربایجان در پروژه خط لوله ترانس آدریاتیک نیز وجود دارد». (ایرنا، ۳۱ مرداد ۱۳۹۴)

در حال حاضر، شرکت ایرانی نیکو<sup>۳</sup> در پروژه میدان شاه‌دینز جمهوری آذربایجان ده درصد سهم دارد. مباحثی نیز درباره تمایل ایران به افزایش سهم خود در پروژه فاز دوم

---

<sup>۱</sup>Natiq Aliyev

<sup>۲</sup>Elman Nasirov

<sup>۳</sup>Naftiran Intertrade Company (NICO)

توسعه این میدان گازی، مطرح شده است. گرچه کارشکنی‌هایی در این خصوص وجود دارد اما مشارکت عملی ایران در تاپ و تاناپ و صدور گاز از این خطوط به اروپا، با مشکلاتی جدی مواجه است. یکی از مهم‌ترین مشکلات آن سطح بالای مصرف داخلی و نبود ظرفیت لازم برای صادرات گاز طبیعی است. نصرت‌الله سیفی، مدیرعامل اسبق شرکت ملی صادرات گاز کشور، معتقد است:

«وقتی مقدار گاز صادراتی ایران به ترکیه تقریباً برابر گاز وارداتی از ترکمنستان است و حتی واردات ما مقداری بیشتر است، ما نه تنها صادرکننده گاز نیستیم بلکه واردکننده‌ایم، در حالی که تراز گاز کشورهای همسایه مانند روسیه و قطر، با مازاد صادرات مواجه است. صرف این که ما دارای ذخایر بزرگی از گاز هستیم دلیل نمی‌شود که بتوانیم نقشی ایفا کنیم. وقتی می‌توانیم ادعای تعیین قیمت بکنیم که به همان اندازه هم سهم بازار داشته باشیم. الان سهم ذخایر ایران از ذخایر جهانی بالغ بر ۱۶ درصد است ولی سهم ما از تجارت جهانی زیر ۲ درصد است (دنیای اقتصاد، ۱۳ مهر ۱۳۹۲).

البته نباید این موضوع را نیز فراموش کرد که اصل تعیین‌کننده در ساخت خطوط لوله انتقال انرژی، داشتن ذخایر کافی برای صادرات است. ایران علیرغم تحریم، پروژه‌های بزرگی برای تقویت زیرساخت‌ها، به منظور افزایش تولید گاز و نفت، در دست اجرا دارد و چشم‌انداز روشنی در این خصوص وجود دارد. بر این اساس ایران می‌تواند یکی از صادرکنندگان مهم گاز به اروپا باشد. بویژه این که احداث خطوط لوله انتقال گاز سال‌ها زمان خواهد برد و زیرساخت‌های استخراج به موازات آن تقویت خواهد شد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادهای رسانه‌ای

سیاست «تنوع بخشی» به منابع وارداتی و مقاصد صادراتی از سوی کشورهای وارد کننده و صادر کننده گاز طبیعی، به موازات افزایش ناامنی و بحران در غرب آسیا و تشدید اختلافات روسیه و اروپا، بویژه در قبال بحران اوکراین و شبه جزیره کریمه، موجب افزایش توجه به منابع گازی موجود در مناطق آسیای مرکزی، خزر و قفقاز شده است. طراحی و احداث خطوط لوله تاپ و تاناب (با مسیر جمهوری آذربایجان ترکیه جنوب اروپا) از جمله مهم‌ترین و جدیدترین خطوط انتقال گاز طبیعی مناطق آسیای مرکزی-خزر و قفقاز به بازارهای جهانی مصرف است که به دلیل ملاحظات سیاسی، امنیتی، ژئوپلیتیکی و نیز مشکلات فنی، مالی و اقتصادی از جنبه‌های مختلف دارای اهمیت است. اگر طرح احداث این خطوط لوله کاملاً عملیاتی شود، تحول مهمی در عرصه صادرات انرژی در کل منطقه ایجاد خواهد شد. اما عملیاتی شدن خطوط لوله یاد شده بدون مشارکت ایران صرفه اقتصادی نخواهد داشت چرا که جمهوری آذربایجان گاز کافی برای اقتصادی کردن تاپ و تاناب در دراز مدت ندارد. ضمن اینکه این طرح با چالش‌های جدی امنیتی مواجه است.

این مقاله با این پرسش شکل گرفت که «پیامد و تأثیر عملیاتی شدن پروژه‌های تاپ و تاناب بر معادلات انرژی منطقه چیست؟» مطالعه و بررسی که در این مقاله صورت گرفت، گویای تأیید فرضیه اصلی مطرح شده است که عبارت بود از:

«عملیاتی شدن پروژه‌های تاپ و تاناب موجب تشدید رقابت‌های ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی در منطقه می‌شود». در واقع، طراحی پروژه‌های تاپ و تاناب از سوی غرب، بر بستر رقابت جمهوری آذربایجان با روسیه در سهم شدن در کریدور جنوبی انتقال انرژی به اروپا و تشدید اختلافات اروپا با روسیه در قبال موضوع اوکراین، شکل گرفته است که در مجموع، این وضعیت گویای تشدید رقابت‌های ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی در منطقه است.

در این مقاله، پرسش فرعی نیز مطرح شده است مبنی بر این که آیا عملیاتی شدن پروژه‌های تاپ و تاناپ در راستای منافع ایران و یا در تعارض با آن است؟ آیا امکان مشارکت ایران در این طرح‌ها وجود دارد؟ با توجه به مطالعه‌ای که در این مقاله صورت گرفته است، می‌توان گفت انتظار عبور تمام خطوط انتقال انرژی منطقه از مسیر ایران، انتظار منطقی نیست. از یک سو، معدودی از کشورهای منطقه از مزیت‌های نسبی خاص خود در زمینه تولید یا انتقال انرژی برخوردار هستند و دیدگاه‌ها و منافع مورد نظر خود را در این زمینه دنبال می‌کنند. از سویی دیگر، ملاحظات سیاسی و ژئوپلیتیکی قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز بر نوع رویکرد کشورهای منطقه و مسیرهای انتقال انرژی تأثیرگذار است. بنابراین، مناسب است در بعد رسانه‌ای و برون‌مرزی مشکلات متعدد این خطوط لوله و مزیت‌های ایران برای انتقال انرژی تبیین شود. به موازات آن، با توجه به ظرفیت‌های کشورمان، به موضوع امکان مشارکت ایران در این خطوط، در صورت رفع مشکلات آن‌ها، پرداخته شود. به نظر می‌رسد در طرح انتقال انرژی تاناپ و توسعه میدان شاه‌دینز جمهوری آذربایجان نیز شرایط به مراتب فراهم‌تر است و با توجه به دعوتی که از ایران برای مشارکت در این طرح‌ها از سوی مقامات جمهوری آذربایجان، ترکیه و اتحادیه اروپا به عمل آمده، لازم است با افزایش ظرفیت تولید و صادرات، از شرایط پدید آمده در فضای سیاسی و اقتصادی پس از برجام، برای ورود به طرح‌های کلان اقتصاد انرژی منطقه، استفاده نمود تا منافع ملی ایران تأمین شود. به علاوه ایران برای مشارکت در تاناپ و تاپ می‌تواند از طریق خاک ترکیه اقدام کند و برای انتقال گاز خود به خاک جمهوری آذربایجان نیازی ندارد.

با توجه به مباحث مطرح شده در این مقاله، راهبردها و رویکردهای کلان رسانه‌ای برای دستگاه دیپلماسی عمومی با محوریت برون‌مرزی صداوسیما می‌تواند درباره خطوط لوله تاپ و تاناپ، عبارتند از:

۱- رویکرد کلان رسانه‌ای ایران در رابطه با خطوط لوله تاپ و تاناپ باید ترکیبی از مؤلفه‌های مختلف از جمله تبیین مشکلات متعدد فنی، مالی، سیاسی و امنیتی این خطوط،

تأکید بر نبود ذخایر کافی در جمهوری آذربایجان برای اقتصادی کردن تاپ و تاناب و ظرفیت‌های ایران برای مشارکت در این خطوط باشد.

۲- تبیین فرصت‌های جدید همکاری ایران و اروپا پس از برجام، همچنین معرفی امکانات و توانایی‌های فنی و اقتصادی ایران در صنعت گاز به پیشبرد دیپلماسی انرژی ایران کمک می‌کند. پیشنهاد می‌شود در تبلیغات و برنامه‌سازی‌ها، برخی از موضوعات بیشتر مورد تأکید قرار گیرند از جمله درخواستی که مقامات جمهوری آذربایجان، ترکیه و اتحادیه اروپا از ایران برای مشارکت در طرح تاناب. همچنین بر این محور تأکید شود که همکاری ایران و اتحادیه اروپا در حوزه انرژی، نشانه‌ای مثبت است از این که منطقه قفقاز و نیز اروپا روند سنتی و مخرب «سیاست خط لوله» را که بر «بازی با حاصل جمع صفر» و حذف ایران از مسیرهای انتقال انرژی مبتنی بود، کنار گذاشته‌اند.

## منابع

### منابع فارسی

#### الف: مقالات

- جوکار، محمدصادق (۱۳۹۴)، «تعامل گازی ایران و اروپا در دوران پساتحریم؛ سناریوهای اتحادیه اروپا برای رهایی از گاز روسیه»، **دیپلماسی انرژی**، سال اول، شماره دوم، صص ۲۳-۲۲.

- سازمند، بهاره و کاویانی‌فر، پیمان (۱۳۹۴)، «ایران و برنامه تراسیکا و ابتکار راهرو گاز جنوبی اتحادیه اروپایی در دوران پساتحریم»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال هفتم، صص ۶۲-۳۳.

- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۵)، «قفقاز همچنان برای انرژی اروپا مهم است»، **دیپلماسی انرژی**، سال دوم، شماره ششم، صص ۴۷-۴۶.

ب: خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری - تحلیلی

- خبر و تفسیر برون‌مرزی صداوسیما (۲۲ فروردین ۱۳۹۴)، «درخواست جمهوری آذربایجان از ایران برای پیوستن به تاناب»، تاریخ مشاهده: ۱۸ تیر ۱۳۹۶، قابل دسترس

در: <http://news.irib.ir/commentaries/item/66177>

- خبرگزاری آران (۲۵ تیر ۱۳۹۳)، «نزدیک شدن غرب به ایران علیه آذربایجان نمی‌باشد»، تاریخ مشاهده: ۲۰ تیر ۱۳۹۶، قابل دسترس در:

<http://fa.arannews.com/News/43200/%D9%>.

- خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) (۳۱ مرداد ۱۳۹۴)، «سهم ایران در میدان گازی شاه‌دنبز آذربایجان افزایش می‌یابد»، تاریخ مشاهده: ۱۵ تیر ۱۳۹۶، قابل دسترس در:

[/http://www.irna.ir/fa/News/81729435](http://www.irna.ir/fa/News/81729435)

- خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) (۲۱ مهر ۱۳۹۵)، «مدیر عامل طرح خط لوله گاز تاناب: خط لوله تاناب فرصتی برای گاز ایران است»، تاریخ مشاهده: ۲۱ تیر ۱۳۹۶، قابل

دسترس در: [/http://www.irna.ir/fa/News/82264786](http://www.irna.ir/fa/News/82264786)

- خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) (۱۴ اسفند ۱۳۹۴)، «پ ک ک برای احداث خط لوله کردستان عراق به ترکیه شرط گذاشت»، تاریخ مشاهده: ۲۵ تیر ۱۳۹۶، قابل دسترس

در: [/http://www.irna.ir/fa/News/81989166](http://www.irna.ir/fa/News/81989166)

- خبرگزاری آران (۸ فروردین ۱۳۹۵)، «جمهوری آذربایجان زیر بار وام بزرگ و سنگینی می‌رود»، تاریخ مشاهده: ۲۰ تیر ۱۳۹۶، قابل دسترس در:

<http://fa.arannews.com/News/48682/%D9%82%D8%A8%>.

- شبکه اطلاع‌رسانی نفت و گاز (شانا) (۲۰ مهر ۱۳۹۲)، «بررسی جامع وضعیت انرژی و ذخایر نفت و گاز در جمهوری آذربایجان»، تاریخ مشاهده: ۲۴ تیر ۱۳۹۶، قابل دسترس

در: <http://www.shana.ir/fa/newsagency/208523>

- شبکه اطلاع رسانی نفت و گاز (شانا) (۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۴) «سهم ایران از بازار LNG و گاز طبیعی جهان؛ شک‌ها و تردیدها»، تاریخ مشاهده: ۴ آبان ۱۳۹۶، قابل

دسترس در:

<http://www.shana.ir/fa/newsagency/240755/%D8%B3%D9%87%>

- دنیای اقتصاد (۱۳ مهر ۱۳۹۲)، «واردات گاز ایران بیشتر از صادرات آن است»، تاریخ

مشاهده: ۲۰ تیر ۱۳۹۶، قابل دسترس در:

<http://donya-e-eqtasad.com/news/756962>

#### منابع انگلیسی

#### Articles:

- Tanchum, Micha'el (2005), TANAP and the Semi-Encirclement of Iran: Progress and Paradoxes in Turkey's Energy Diplomacy, **Turkish Policy Quarterly**, Vol: 14, Number 3, pp. 55-64.

#### Other Sources:

- Cohen, Ariel (April 2014), Caspian Gas, TANAP and TAP in Europe's Energy Security, Roma, **Istituto Affari Internazionali**.
- Coffey, Luke (April 6, 2016), "Nagorno-Karabakh is not a localised conflict", **Aljazeera**. Available at: <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2016/04/nagorno-karabakh-localised-conflict-armenia-azerbaijan-160406081258222.html>
- Gurbanov, Ilgar (May 23, 2016), "Four-Day Karabakh War Highlights Threats to Energy Security on NATO's Southeastern Flank", **Jamestown Foundation**. Available at: <https://jamestown.org/program/four-day-karabakh-war-highlights-threats-to-energy-security-on-natos-southeastern-flank/>
- Gurbanov, Ilgar (August 28, 2013), Between TAP and Nabucco: Who is the WINNER? Azerbaijan or Russia?, **Wisemen Center for Strategic Studies**.
- Socor, Vladimir (Feburary 15, 2015), "Iran warns against trans-Caspian pipeline", **Asia Times**. Available at: <http://www.atimes.com/c-asia/AB24Ag02.html>

- "Kirkuk-Ceyhan pipeline may soon be back in operatin following Turkish operation against PKK", **Rudaw**, March 9, 2016. Available at: <http://www.rudaw.net/english/kurdistan/090320163>
- "Nine killed, more than 100 wounded in PKK attack in Turkey s Diyarbakir", **Hurriyet Daily News**, November 4, 2016. Available at: <http://www.hurriyetdailynews.com/nine-killed-more-than-100-wounded-in-attack-in-turkeys-diyarbakir.aspx?pageID=238&nid=105730>